

علم أصول الفقه

٢٩

٥-١٠-٩١ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

١١٢ باب الفزع و الهيم

• و إذا فزعت من سلطان أو غيره فقل حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت و هو ربُّ العرش العظيم أمتنع بحول الله و قوته من حولهم و قوتهم أمتنع بربِّ الفلق من شرِّ ما خلق و أقول ما شاء الله لا حول و لا قوة إلا بالله «١»

• (١) - الكافي ٢: ٤٠٥ / ٧.

١١٢ باب الفزع و الهم

- و إذا حزتك أمر فقل سبع مرات بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم فإن كفيته و إلا أتممت سبعين مرة

١١٢ باب الفرع و الهم

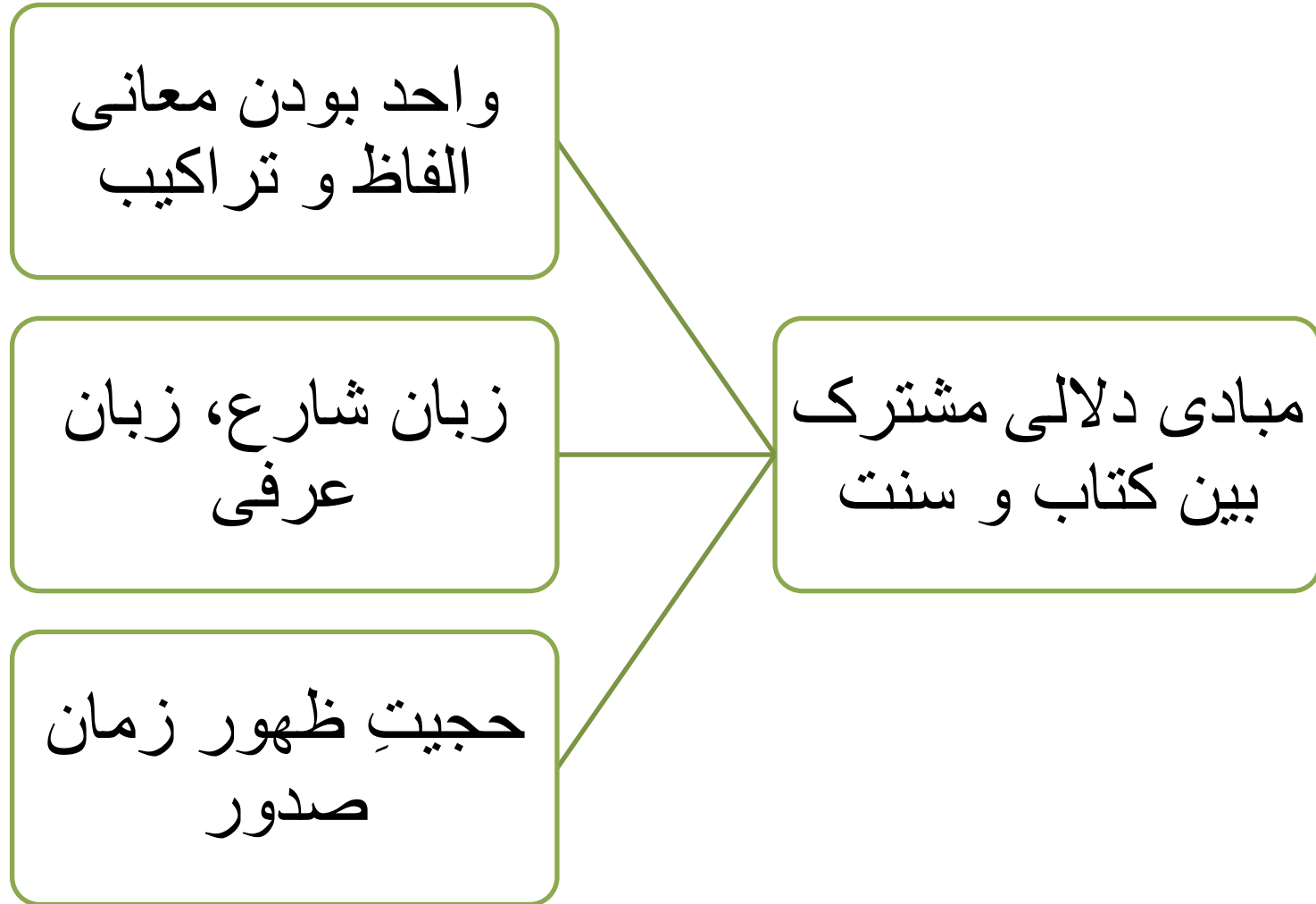
- و إذا ابتليت ببلوى أو أصابتك محنة أو خفت أمرا أو أصابك غم فاستعن ببعض إخوانك و ادع بهذا الدعاء و يؤمن الأخ عليه فإنه روى عن رسول الله ص أنه دعا و أمن عليه على بن أبي طالب ع فى المهمات و قال ما دعا بهذا الدعاء أحد قط ثلاث مرات إلا أعطى ما سأل إلا أن يسأل مأثما أو قطيعة رحم و هو أن يقول: يا حى يا قيوم يا حى لا يموت يا حى لا إله إلا أنت أسألك بأن لك الحمد لا إله إلا أنت المنان بديع السموات و الأرض يا ذا الجلال و الإكرام «٢»
- (٢) - الكافى ٢: ٤٠٥ / ٤، تفسير القمى ١: ٣٥٤ من «أسألك بان لك الحمد...».

١١٢ باب الفرع و الهم

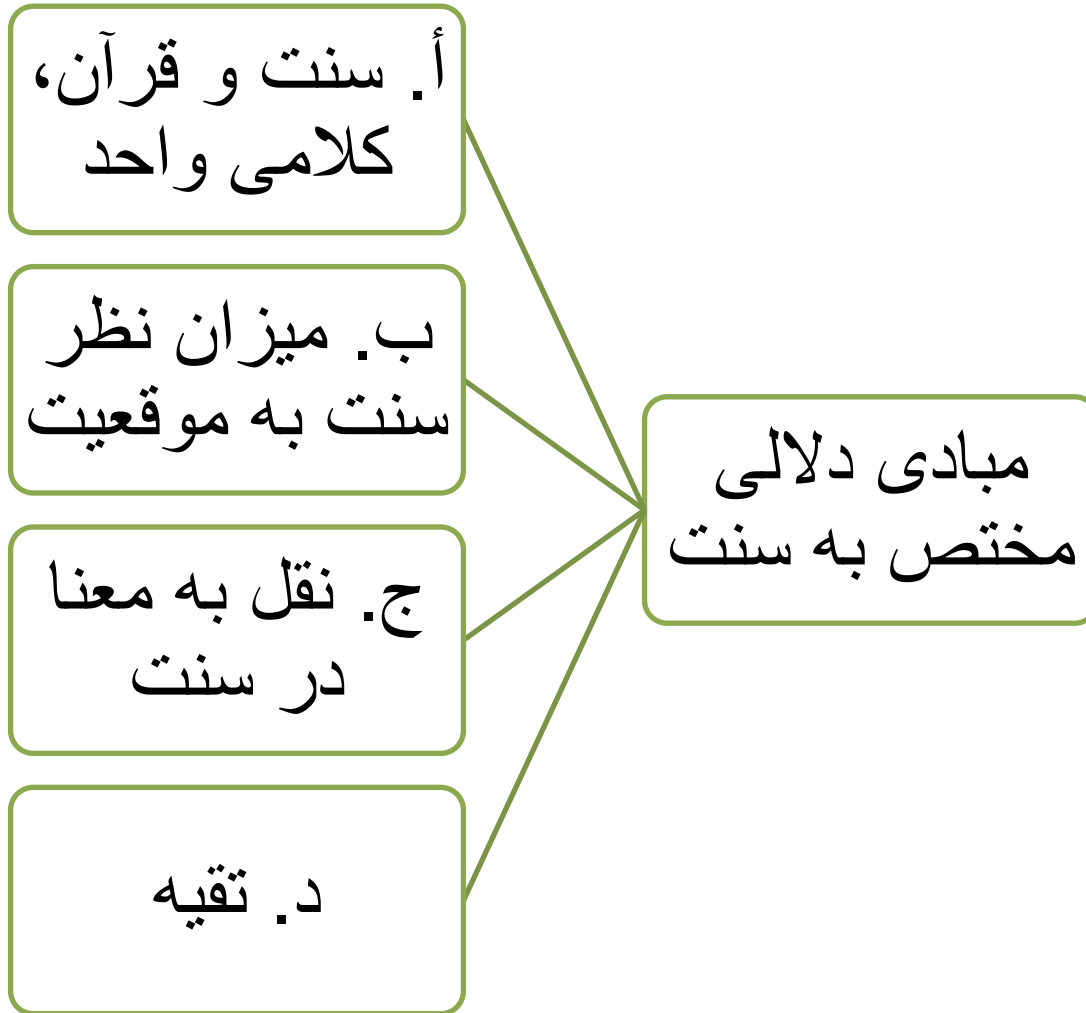
- و إذا كنت مجهودا فاسجد ثم اجعل خدك الأيمن على الأرض ثم خدك الأيسر و قل في كل واحد: يا مذل كل جبار عنيد يا معز كل ذليل قد و حقك بلغ مجهودي فصل على محمد و آله و فرج عنى «٣»

- (٣) - مكارم الأخلاق: ٣٢٩.

مبادی دلالی مشترک بین کتاب و سنت



مبادی دلالی مختص به سنت



مبادی دلالی مختص به سنت

- مبادی دلالی مختص به سنت عبارتند از:

مبادی دلالی مختص به سنت

- أ. سنت (فعل، قول و تقریر معصوم علیه السلام) می تواند مقید یا مختص قرآن کریم باشد، زیرا معصوم علیه السلام و خداوند تبارک و تعالی به منزله‌ی متکلم واحد هستند.
- این مبنا را تحت عنوان «سنت و قرآن، کلامی واحد» در فصل اول می آوریم و مرادمان از کلام امری عام است که تمامی افعال و اقوال و تقریرات معصومان علیهم السلام را در بر می گیرد.

مبادی دلالی مختص به سنت

- ب. موقعیت همان طور که در قرآن کریم تأثیر داشته، در سنت نیز اثر گذار بوده است.
- میزان این تأثیر در سنت، بحثی است که در فصل دوم تحت عنوان «میزان نظر سنت به موقعیت» مطرح می‌نماییم.

مبادی دلالی مختص به سنت

- ج. نقل سنت موجب رسیدن سنت به نسل‌های آینده می‌شود. گاهی ناقلان حدیث، معنای حدیث را نقل می‌کردند و چه بسا فهم شخصی آنها در این گونه انتقالات اثر داشته است.
- میزان نقل به معنا در حدیث شیعی و میزان تأثیر فهم شخصی راویان در طول حیات شیعه، بحثی است که در فصل سوم، تحت عنوان «نقل به معنا در سنت» مطرح می‌نماییم.

مبادی دلالی مختص به سنت

- د. افعال و اقوال معصومان علیهم السلام گاهی از روی تقیه صادر می‌شد. بحث تقیه که مربوط به جهت صدور سنت است، آخرین بحثی است که برای تکمیل حلقه‌ی بحث سنت در فصل چهارم به آن می‌پردازیم.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- بحث تقييد و تخصيص قرآن كريم توسط سنت معصومان عليهم السلام از دو جهت قابل طرح است:
- از يك جهت، اين بحث، اصولی است و از جهتی دیگر، يك بحث کلامی.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- جنبه‌ی اصولی این مسأله از دیرباز مورد توجه اصولی‌ها بوده و حتی اصولی‌هایی چون سید مرتضی و میرزای قمی که به مباحث کلامی مربوط به علم اصول توجه داشته‌اند، فقط به بُعد اصولی این مسأله بسنده کرده و بحث کلامی را مطرح ننموده‌اند.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- بحث‌هایی همچون: «تقسیم مقید و مخصص به متصل و منفصل»، «چگونگی تقیید و تخصیص متصل و منفصل»، «امکان تخصیص و تقیید قرآن توسط سنت قطعی - مثل خبر متواتر - و سنت ظنی - مثل خبر واحد -» از بحث‌هایی است که در کتاب‌های اصول مطرح شده و می‌شود.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- اما همه‌ی آنها بر یک پیش فرض استوار است که از مبادی تصدیقی علم اصول فقہ به شمار می‌آید. آن پیش فرض چنین است:
- «سنت معصومان علیهم السلام و آیات قرآن به منزله‌ی کلام متکلم واحد هستند».

سنت و قرآن، کلامی واحد

- هیچ گاه یک متکلم نمی تواند عام یا مطلق متکلم دیگر را تخصیص یا تقیید زند؛ مگر این که آنان به منزله‌ی یک متکلم تلقی شوند.
- عام و خاص دو متکلم مستقل جدای از هم، در یکدیگر تأثیر ندارد و یکی نمی تواند ظهور و حجیت دیگری را مخدوش سازد.
- هر متکلمی مسئول کلمات و مطالبی است که خودش بیان می کند و دیگری نمی تواند مرادات جدی یا استعمالی او را - با توضیحی که در اصول مطرح خواهیم کرد - تغییر دهد.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- با توجه به آنچه در مبادی صدور قرآن کریم بیان نمودیم، الفاظ قرآن از ناحیهی خداوند تبارک و تعالی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شده است.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- به عبارت دیگر متکلم خداوند است که بدون ایجاد صوت، الفاظ را در نفس رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایجاد نمود به گونه‌ای که کسی غیر از او قادر به شنیدن چنین کلامی نبود.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- البته کسی چون حضرت علی علیه السلام نیز که از مستوای روحی و نفسی بالایی برخوردار بود، در بعضی موارد کلام وحی را می شنید؛ ولی در هر حال این الفاظ بدون صوت ایجاد می-شد.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- اما الفاظ معصومان علیهم السلام - یعنی به صورت خاص سنت لفظی و قولی آنان - آن چیزی است که بر زبانشان جاری شده است.
- حال سؤال این است که چگونه الفاظ معصومان علیهم السلام می تواند مخصص یا مقید کلام خداوند تبارک و تعالی باشد در حالی که آنان دو متکلمند؟ جواب این سؤال در نحوه علم معصومان علیهم السلام روشن می گردد.

سنت و قرآن، کلامی واحد

- معصومان علیهم السلام به قرآن که تمام حقایق دین در آن متجلی است، علم دارند و تأویل قرآن را می‌دانند؛ اما علم آنها همانند دیگران از طریق خود قرآن و الفاظ و تراکیب آن صورت نگرفته است.
- علم معصومان علیهم السلام مربوط به مراتب سابق بر این الفاظ و تراکیب است.
- به همین سبب از مراد جدی خداوند تبارک و تعالی در رتبه‌ی سابق بر تکلم آگاهند و کلامشان، کلام خداوند است. پس کلام آنها و کلام خداوند به منزله‌ی کلام یک متکلم است.